



نشریه علمی تمدن اسلامی و دین پژوهی
سال اول / شماره سوم / تابستان ۱۳۹۸

جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای

حسن نعیم‌آبادی* / محسن پالیزپیشه**

(۷۲-۵۳)

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی و شکل‌گیری گفتمان اسلام‌گرایی در مقابل گفتمان‌های سوسیالیستی و لیبرالیستی و تقابل انقلاب اسلامی با این دو و سرانجام، حذف بلوک شرق از مقابل بلوک غرب در نظام بین‌الملل، تفکر و ایدئولوژی اسلام بود که در برابر بلوک غرب قد علم کرد و تحقق‌آرزوی نظم نوین جهانی رهبران این تفکر را به تعویق انداخت. پس از گذشت سال‌ها درگیری این دو جبهه، موضوع تمدن نوین اسلامی که از سوی مقام معظم رهبری مطرح شد، نقطه عطفی در این جنگ نامتقارن و نابرابر ایجاد کرد و از این رو، با شکل‌گیری گفتمان تمدن نوین اسلامی، نظریه‌های مختلفی در این باب از سوی اندیشمندان داخلی و خارجی ارائه گردید که راه کارهای تحقق تمدن نوین اسلامی را بررسی نموده‌اند. در این میان، دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست خارجی، بارها مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت، بنابراین، در این مقاله، ابتدا شاخص‌های تمدن نوین اسلامی از نگاه رهبری را بیان نموده و پس از بیان مفهوم دیپلماسی عمومی، به بیان شاخصه‌های

*. استادیار مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی قم (نویسنده مسئول) - naim1363@yahoo.com

** . دانشجوی کارشناسی ارشد تربیت مربی علوم سیاسی گرایش انقلاب اسلامی مجتمع آموزش

عالی شهید محلاتی قم - paliz.mo158@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۵ نوع مقاله: مفهومی

دیپلماسی از نگاه رهبری پرداخته و سپس، نقش آن را در تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه معظم له مورد واکاوی قرار می‌دهیم.

واژگان کلیدی: دیپلماسی عمومی، تمدن نوین اسلامی و آیت الله خامنه‌ای

مقدمه

با افزایش دگرگونی در قلمرو سیاسی کشورها، توانمندی دولتها در همراه کردن ملتهای مختلف در پشتیبانی از اهداف خود رشد چشمگیری داشته است. امروزه در عرصه روابط بین‌الملل نظام‌های سیاسی از ابزارهای قدرت نرم به طرق مختلف بهره می‌برند. مؤثرترین سیاسی در فضای بین‌المللی برای افزایش نفوذ خود به دنبال ایجاد یک چهره مثبت در قالب قدرت نرم از خویش هستند. استفاده صحیح از قدرت نرم دولتها را قادر می‌کند تا از جنگ و درگیری نظامی دوری و اذهان عمومی را در عرصه بین‌المللی با اهداف خود هماهنگ نمایند. هر قدر کشورها از این ابزار یعنی قدرت نرم بهره بیشتری ببرند در مناسبات سیاسی توان افزایش بهره‌وری خود را تقویت نموده‌اند. کشور ایران نیز، پس از پیروزی انقلاب اسلامی وارد عرصه جدیدی از تحولات سیاسی شده و با تغییر محاسبات بین‌المللی و همچنین کاربردهای نوین و راهبردی قدرت نرم در جهت مقابله با آسیب‌ها و تهدیدهای پیش روی انقلاب از این ابزار مهم بهره‌گرفته و در سیاست خارجی از مهمترین ابزار آن یعنی دیپلماسی عمومی بهره‌کافی را می‌برد.

دیپلماسی عمومی به برنامه‌ریزی دولتها جهت تأثیرگذاری بر فکر و ذهن عامه مردم دیگر کشورها می‌پردازد، از این رو، می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم کشور ایران را در تحقق تمدن نوین اسلامی کمک نماید (جوادی ارجمند و اسمعیلی، ۱۳۹۱: ۹۸) بی تردید، نوع نگاه انقلاب اسلامی به مقوله تمدن نوین اسلامی، با دیگر مکاتب امروز متفاوت است. بر خلاف نگاه سایرین که منبعث از واقعه گرایبی مادی و آینده‌پژوهی مبتنی بر آن است، در تفکر اسلامی، انگاره تمدن نوین اسلامی با یک آرمان موعود به نام مهدویت گره خورده و در حدود و ثغور آن، تفسیر می‌شود. تحقق عدالت، توحید، علم و حکمت، رشد عقل، رفاه و آبادانی، امنیت و آرامش، فراوانی و برکت و... از اوصاف تمدن موعود در آیات و روایات است.

با توجه به رهیافت مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر در مورد تمدن نوین اسلامی و تأکید ایشان بر نقش دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای ایجاد تصویر مثبت از اسلام و از بین بردن چهره منفی اسلام در اذهان عمومی بین‌المللی در راستای جهانی شدن گرایش به دین اسلام، این مقاله با هدف تبیین نظرات عالی مقام معظم رهبری حول محور نقش دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی به نگارش درآمده است، بنابراین، در ادامه شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی را از نظر معظم له بازخوانی نموده سپس به شناخت مبانی نظری دیپلماسی عمومی پرداخته و نظرات رهبری را در آن، بررسی نموده و پس از آن، نقش دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی را از بعد اهداف، مخاطبین، ابزارها و اکاوی می‌نمائیم.

چیستی تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی بیانگر همه جنبه‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را پوشش می‌دهد. (مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳: ۱۱۳) تمدن نوین اسلامی، تمدنی دینی است که همه مؤلفه‌های آن بر محور اسلام قرار دارد، بدین ترتیب، تمدن اسلامی از همه ویژگی‌های تمدن الهی در چهارچوب آموزه‌های قرآنی و متکی بر سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برخوردار است و مؤلفه‌های آن، دین، اخلاق، علم، عدالت، قوانین، مقررات، اصول دینی و مانند آن است. (جان احمدی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱) به اعتقاد ابن نبی، برای حصول تمدن نوین اسلامی، باید مجموعه‌ای از شروط اخلاقی و مادی حاصل گردد. عناصر تمدنی دینی در نگاه وی «انسان، خاک و زمان» است که ذیل اسلام، معنا می‌یابد (بابایی، ۱۳۹۰: ۴۹-۴۶) و این همانند «جامعه‌ای بود متجانس که مرکز آن قرآن بود.» (زرین کوب، ۱۳۸۴: ۲۹)

مقام معظم رهبری تمدن نوین اسلامی را فضایی می‌داند که انسان در آن فضا به لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی برسد که خدای متعال او را برای آن غایات، خلق کرده است. زندگی خوب و عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت. تمدن نوین اسلامی به این معنی است و هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۲ خرداد) در این تعریف، ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بشر، مطرح شده است که منجر به تکامل او و قرب وی به خدا می‌شود.

شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری

برخی از شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از منظر آیت الله خامنه‌ای را بررسی می‌کنیم:

(۱) محوریت قوانین قرآن: در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان، شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۲۶ شهریور) علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و قدرت جوابگویی آن به همه نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام علیه السلام اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۴۹)

(۲) ایمان: اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان‌ها به بکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ: و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را پرستید و از طاغوت پرهیزید.» (نحل: ۳۶) رسالت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌های وی برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود. در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دیانت از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز، یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن نوین اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی پردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم.

(۳) خردورزی: رهبر معظم انقلاب بر «خردورزی» به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و

اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۵۷) همچنین امام علیه السلام معتقدند انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است - نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام مُلک و عالم شهادت - از این رو، به اعتقاد ایشان، انسان از سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است و دستورات انبیا و اولیاء الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۳۱۰)

۴) علم: رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله با خواندن آغاز و این باعث تفاوت اسلام با سایر ادیان شد. (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰) قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر صلی الله علیه و آله امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن، مانند بقره: ۲۸۰، نحل: ۹۵، عمران: ۱۹۰، انعام: ۱۱، یونس: ۵، عنکبوت: ۱۵ و ... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق، بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان در کنار هم است: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْنَا» (روم: ۵۶) سفارش‌های مکرر پیامبر صلی الله علیه و آله درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است. (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۰) روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند.» (بخاری، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۸)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند.» (کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۴)؛ «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند.» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند.» (فیض کاشانی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است.» (حرانی، ۱۳۸۷: ۹۵) «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید، پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است.» (مجلسی، بی تا، ج ۱: ۹۶)

۵) اخلاق: اخلاق جمع «خُلُق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال

و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد. (دیلمی و آذربایجانی، ۱۳۸۴: ۱۵-۱۶) قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را متضرر می‌داند. (عصر: ۱) اخلاق، یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع معدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت، چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۵: ۲۱ بهمن) رهبر انقلاب، شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌داند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۴ اسفند)

۶) حکومت مردمی: در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، انسان دارای هویت، دارای کرامت نیز هست و حاصل این کرامت این است انسان در ایجاد یک جامعه مردم سالار نقش اساسی ایفا می‌کند. مردم با اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام علیه السلام را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، دین اسلام نسخه تمام و کمالی از مردم سالاری ارائه می‌کند برای مثال در آیه «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ» (شورا: ۳۸) و «هُوَ الَّذِي آتَاكَ بِتَصَرِّهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۲) این امر مشهود می‌باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۴ آبان)

۷) ایجاد رفاه عمومی: از دیگر شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم

توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه نموده است که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست است، بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده - مورد تأکید قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان، مسلک اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به رفاه عمومی بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده است. به اعتقاد ایشان «در واقع مؤلفه‌های این مجموعه مسئله ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان است؛ از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری، رفاه عمومی...» (خامنه‌ای، ۱۳۷۲: ۱۲ مرداد؛ خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۲۰ اسفند)

۸) استقرار عدالت: عدالت که از اصول دین است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء: ۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) در این آیه، عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس، در اندیشه مقام معظم رهبری، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است، به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اصول امام یاد می‌کنند و اعتقاد دارند که یک حکومت در همه مراحل از قانون‌گذاری تا اجرا گرفته باید عدالت اجتماعی را سرلوحه کارهای خود قرار دهد. همچنین ایشان بر این باورند که، شاخص همه مجریان قانون در کلیه برنامه‌ها باید توزیع ثروت و منابع کشور به صورت صحیح در بین تمام طبقات محروم باشد که این خود از مشکل‌ترین مسئولیت‌هاست. (خامنه‌ای، ۱۳۷۹: ۱۴ مهر)

۹) **رسانه‌های مدرن، هنر و سینما:** مسجد در صدر اسلام به عنوان مهم‌ترین رسانه جمعی و محل انتشار اخبار و عقاید محسوب می‌شد، بنابراین، در گسترش تمدن اسلامی نقش مؤثری را ایفا کرد. بعد از آنکه تمدن اسلامی با رکود مواجه شد، تمدن غربی در صنعت رسانه‌های جمعی به پیشرفت‌های بزرگی نائل گردید. امروزه با وجود فناوری‌های پیشرفته ارتباطی که غالباً از سوی تمدن غربی گسترش می‌یابد، فاصله زمانی و مکانی بین جوامع از بین رفته است و تمدن غربی از این طریق به دنبال نهادینه کردن سبک زندگی غربی و اشاعه زشتی‌ها در میان سایر جوامع است. قرآن کریم درباره اشاعه زشتی در تمدن اسلامی این گونه هشدار داده است: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید.» (نور: ۱۹) از این رو، رسانه‌های مدرن و قوی برای مقابله با فرهنگ و سبک منحرف غربی و نیز برای صادر نمودن ارزش‌ها و مبانی اسلام در تمدن نوین اسلامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل مقام معظم رهبری در مناسبت‌های مختلف بر تقویت رسانه‌های مدرن در تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کنند و در خصوص هجمه رسانه‌ای تمدن غربی هشدار می‌دهند. برای مثال اصطلاح «جنگ نرم» در نگاه معظم‌له بیانگر هجوم بی‌امان رسانه‌ای تمدن غربی برای استحاله فرهنگی کشورهای مسلمان و حتی سایر کشورها است. ایشان درباره سوءاستفاده گسترده غرب از ابزار هنر به ویژه هنرهای نمایشی و سینما می‌فرمایند: «سیاستمداران غربی با استفاده از این روش، به دنبال سلیقه‌سازی و ترویج سبک زندگی غربی در سایر جوامع هستند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۲۳ مهر)

همچنین درباره اهمیت صنعت فیلم‌سازی برای انتقال فرهنگ‌ها بحث می‌کنند که تمدن غربی به اهمیت آن پی برده است و اکنون در حال پیاده‌سازی نیت درونی خود برای تسلط بر سایر فرهنگ‌ها هستند و در این کار، بر اساس کار کارشناسی و با استفاده از جامعه‌شناسان، روانشناسان و مورخان، ضعف‌های ملت‌ها به‌ویژه ملت‌های اسلامی را بررسی می‌کنند. همچنین با شناخت راه‌های تسلط بر آن‌ها، ساخت فیلم‌های خاصی را به فیلم‌سازان سفارش می‌دهند که در این زمینه همه مسئولان و مردم باید از فرهنگ اصیل خود و کشور مراقبت کنند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۲ خرداد)

(۱۰) **بهبود روابط بین‌الملل:** ارتباطات بین جوامع در دنیای کنونی بسیار پیچیده شده است و جوامع به ناچار با یکدیگر دارند. علت این موضوع این است که جمعیت جهان و نوع نیازهای بشری دچار تغییرات اساسی شده است. در تمدن‌های گذشته به علت محدودیت جمعیت و نیازهای آنان، اگر تمدنی به هر دلیلی با سایر تمدن‌ها ارتباط نداشت، شاید دچار اختلال‌های شدید در میان جامعه نمی‌شد، زیرا ارتباط جوامع با یکدیگر کم و در حد معاملات پایاپای بود اما در دنیای کنونی وضعیت برعکس شده و میزان ارتباط جوامع با یکدیگر بسیار افزایش یافته است و بسیاری از صاحبان قدرت از این طریق بر سایر ملت‌ها تأثیر می‌گذارند. برای مثال، در صنعت نفت که موضوعی جهانی است، منافع همه کشورها آنچنان درهم‌تنیده شده است که با کوچک‌ترین اتفاقی در جهان، بازار آن دچار نوسان می‌شود. بر این اساس، در تمدن نوین اسلامی به دو دلیل به روابط با سایر تمدن‌ها نیاز است: موضوع اول همان بحث رفع نیازهای افراد جامعه است؛ زیرا ممکن است در تمدن اسلامی کالایی به اندازه رفع نیاز داخلی وجود نداشته باشد و از طریق این رابطه، به جبران آن کمبود پرداخت ولی موضوع دوم که از طریق روابط بین‌الملل باید آن را مورد توجه قرار داد، موضوع انتقال مبانی نظری انسان‌ساز و جامعه‌ساز اسلام است تا بدین وسیله مقدمه ظهور منجی عالم بشریت فراهم شود. همان ذخیره الهی که تمدن نوین اسلامی را تا درجه اعلای آن پیش خواهد برد. مقام معظم رهبری با تأسی بر مبانی فکری و معرفتی امام خمینی علیه السلام بر دیپلماسی بین‌المللی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. ایشان از جهانی بودن مکتب سیاسی امام خمینی علیه السلام یاد می‌کنند که به دنبال صادر نمودن استقلال و عزت انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها بود. به اعتقاد ایشان، نوع صدور پیام مکتب اسلام توسط امام علیه السلام به بشریت با آنچه آمریکا و سایرین با زور و توسل به بمب اتم به دنبال آن هستند، بسیار تفاوت دارد. در مکتب سیاسی، امام فکر درست و سخن جدید خود را با تبیین در فضای ذهن بشریت رها می‌کند. معظم‌له، حرکت‌های پدید آمده در فلسطین و سایر کشورها را تحت تأثیر پیام جهانی انقلاب اسلامی ایران می‌داند که توسط بنیانگذار انقلاب در پیکره تاریخ تنیده شده است. به همین جهت موضوع فلسطین در اندیشه ایشان، موضوعی شخصی بین فلسطین و اسرائیل نیست، بلکه به همه مسلمانان مربوط می‌شود. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۱۸ خرداد)

مفهوم دیپلماسی عمومی

تا آنجا که بررسی متون و گزارش‌های نشریات معتبر جهانی در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد، نیمه دوم قرن نوزدهم را می‌توان بستر ظهور واژه دیپلماسی عمومی در ادبیات رسمی در جهان و نیمه دوم قرن بیستم را دوره ورود و تثبیت این واژه در عرصه علمی و تخصصی روابط بین‌الملل عنوان کرد. (Cull, 2008: 19-21) بسیاری به اشتباه دیپلماسی عمومی را نظریه، در نظر می‌گیرند در صورتی که دیپلماسی عمومی بیشتر روش است تا نظریه. میان قدرت نرم و دیپلماسی عمومی، ارتباطی قوی وجود دارد و در حقیقت دیپلماسی عمومی از منابع و امکانات قدرت نرم بهره می‌برد. در معنایی گسترده، دیپلماسی عمومی نگاه ویژه‌ای به سیاست خارجی دولتها داشته تا با هم پیمانان خود همکاری و با دشمنان خود بدون درگیری به حل مشکلات سیاسی بپردازد. (Griffiths and O Callaghan, 2002:79)

در دیپلماسی سنتی به تعبیر «مک کلنن»^۱ تعامل بین کشور با کشور دیگر یا تعامل حکومت با حکومت صورت می‌گیرد و تمرکز مسئولان سیاست خارجی بر یک موضوع خاص می‌باشد در صورتی که به نظر «گولین»^۲ که می‌گوید: دیپلماسی عمومی اولویت را به منافع ملی و ملل خارج از کشور می‌دهد لذا کلیه امور مربوط به بورسیه دانشجویها، جشنواره‌های رسانه‌ای، کنسرت‌ها، تور بیست ورزشی و... همگی در قلمرو دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرند. (احدی، ۱۳۸۸: ۲۵۰) برای روشن شدن ماهیت دیپلماسی عمومی بهتر است به تفاوت‌های اصلی آن با دیپلماسی رسمی اشاره کنیم. سه تفاوت اساسی دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی را می‌توان به شرح زیر بیان کرد. نخست اینکه دیپلماسی عمومی فرآیندی شفاف است و به طور گسترده قابل انتشار است اما دیپلماسی رسمی فرآیندی غیر شفاف به شمار می‌رود که امور آن گاه منتشر می‌شوند. دومین تفاوت این است که دیپلماسی عمومی از سوی یک دولت بر طیف وسیعی از مخاطبان عمومی اجرا می‌شود در صورتی که دیپلماسی رسمی در میان دولت‌ها در جریان است. سومین تفاوت این است که، طرح‌ها و مسایل دیپلماسی رسمی، به رفتارها و سیاست‌های دولت‌ها مرتبط و متوجه است؛ اما طرح‌ها و مسایل دیپلماسی عمومی به رفتار و نگرش عموم افراد در یک جامعه هدف متوجه و مرتبط است (Wolf Jr and Rosen, 2004: 4).

1 . George B. McClellan

2 . Steve Golin

مورگنتا^۱ نیز دیپلماسی را شامل ارتباطات هماهنگی می‌داند که در جنگ قدرت بین دولتها اتفاق می‌افتد. (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴) که در همین راستا، مقام معظم رهبری «دیپلماسی را یک جنگ تمام عیار دانسته» که در آن، طرفین دعوا تمام تلاش خود را از طریق مذاکره و حتی زور می‌کنند تا منافع خویش را تأمین نمایند (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۵) در چنین جنگی، هر بازیگری می‌کوشد تا حدامکان منافع خود را از طریق مسامحه، مذاکره و حتی تهدید به استفاده از زور تأمین نماید. در ساز و کار دیپلماسی عمومی، هدف غایی عموم مردم هستند و باید سیاست‌های یک دولت خارجی برای مردم کشور دیگر روشن و شفاف گردد. در دیپلماسی عمومی نگاه عمده به اثر گذاری بر اذهان عمومی مردم معطوف است و در نقطه پایانی دولت‌های آنها مد نظر می‌باشند. (پورحسن، ۱۳۹۰: ۱۴۱) بنابراین، دیپلماسی عمومی در پی این مهم است که با روش‌های مناسب ارتباطی به مدیریت مثبت سازی چهره یک کشور برای افکار عمومی دیگر کشورها پردازد؛ به شکلی که پیروزی‌های خود را در عرصه‌های مختلف از طریق تبلیغات پررنگ جلوه داده و شکست‌های خود را پنهان نماید و نظر دیگران را نسبت به سیاست‌های خود در نظام بین‌المللی جلب نماید. (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳) دیپلماسی عمومی جایگاه مهمی در عصر ارتباطات کنونی پیدا کرده است. از نظر جوزف نای^۲، دیپلماسی عمومی به معنی برقراری ارتباط مناسب با ملت‌هاست به علاوه حکومت‌ها. بنابراین، زمانی قدرت نرم موفق است که دیپلماسی عمومی اثربخش باشد. به بیان دیگر، زمانی اثربخشی دیپلماسی عمومی در شکل دهی قدرت نرم مشخص می‌شود که به افزایش جذابیت کشور مد نظر در میان ملل مختلف بیانجامد. (Nye, 2003: 62) به تعبیر جوزف نای دیپلماسی عمومی یکی از مهم‌ترین چارکان قدرت نرم می‌باشد. (بیکی، ۱۳۸۹: ۶۲)

دیپلماسی عمومی در اندیشه مقام معظم رهبری

به طور کلی نگاه ایشان به نظام بین‌المللی کاملاً واقع‌بینانه می‌باشد؛ «در جهانی که قانون جنگل حکمرانی می‌کند هرکس باید به دنبال منفعت خود باشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲: ۴ دی) چنین تعریفی، نگاه مخاطب را به سمت فرآیندی واقع‌گرا و منطقی و توأم با برد و باخت سوق می‌دهد. دراین راستا

1 . Hans Morgenthau

2 . Joseph Nye

ایشان می‌فرماید: «دیپلماسی عمومی نوعی از جنگ نرم است.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸: ۳۱ مرداد) در نگاه واقع‌گرایانه ایشان این ارزشها و آرمان‌ها هستند که به تولید‌کننده قدرت معنوی می‌پردازند: «این قدرت معنوی و اعتقاد به ذات‌الله است که ما را متمایز می‌کند از دیگر ملتها و حکومتها.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۶) در همین ارتباط بیان می‌شود که «آنچه که منجر به افزایش اقتدار ملی انقلاب اسلامی می‌شود سلاح و قدرت معنوی است نه سلاح گرم و رازمانایی این انقلاب در این قدرت معنوی نهفته است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷: ۲۸ مهر) بنابراین، می‌توان دریافت که اهمیت قدرت نرم از نوع معنوی برای ایشان واضح و مبرهن بوده و تأکید می‌کنند که دشمن با تبلیغات به جنگ علیه این نظام آمده و دنیا را تسخیر کرده است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱: ۲۸ بهمن) در چنین جنگی، فرهنگ از اولویت بالایی برخوردار است و همه نهادها را در اهتمام به این امر بسیج نموده و فرآیند روشنگری برای سایر ملتها را توسط دستگاه دیپلماسی عمومی کشور از اوجب واجبات می‌دانند. به طوری‌که در دیدار رئیس‌جمهور و هیأت دولت، می‌فرماید: «تمام تلاش دستگاه دیپلماسی عمومی این باشد که به مردم جهان بفهماند که سعادت تنها هدف این ملت است که با خوداتکایی و خودکفایی و اراده خود به دنبال رسیدن به آن هستند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۷: ۲ شهریور) در نتیجه، می‌توان اذعان کرد که مهمترین ابزاری که در این روشنگری برای سایر کشورها بهترین اثربخشی را دارد، دیپلماسی عمومی است.

سوالی در اینجا مطرح می‌شود که استراتژی انقلاب اسلامی در بکارگیری دیپلماسی عمومی در مقابل تمدن غرب چگونه باید باشد؟

جواب‌های متفاوتی به این پرسش داده شده است و رویکردهای مختلفی شکل گرفته است از جمله: رویکرد اول این است که ما باید به طور کلی از این تمدن تبری بجوئیم و سعی کنیم به هیچ وجه آلوده به آن نشویم و در انزوای کامل به سر ببریم، یعنی دیپلماسی عمومی فعال بدون در نظر گرفتن دیپلماسی عمومی تمدن غرب مد نظر قرار گیرد. این مدل، طبیعتاً نمی‌تواند یک نسخه کامل باشد و نمی‌توان به پیشرفت‌های تمدن غرب توجهی نکرد.

رویکرد دوم این است که تمدن غرب کلا پدیده خیلی خوبی است و ما باید آن را بپذیریم و خودمان را با آن تطبیق دهیم. این پاسخ روشنفکرهای سکولار است که تمامیت‌اندیشه غربی را قبول کرده‌اند و معتقد به تمدن غرب با همه لایه‌های آن هستند. در این رویکرد، برای دیپلماسی عمومی نقشی قائل نشده چون ما رویکرد تقابلی نداریم.

در رویکرد سوم که به اسلامی کردن مدرنیته تعبیر می‌شود به این نکته اذعان دارد که لایه ای از مدرنیته باید تغییر کند یعنی معنویت و اخلاق احیاء و به دنیای مدرن، ضمیمه شود تا جامعه اسلامی احیاء شود. در این رویکرد، دیپلماسی عمومی جامعه اسلامی با دیپلماسی عمومی جامعه غربی در ارتباط و تبادل هستند و مواضع همدیگر را رد یا ابطال نمی‌کنند.

رویکرد چهارم، رویکرد تمدن نوین اسلامی است. در واقع آرمان ما در عصر ظهور است لذا تمدن سازی اسلامی باید قبل از ظهور انجام شود. براساس نظر رهبری، ابتدا باید انقلابی مبتنی بر ارزش ها و تحقق ارزش ها شکل بگیرد. اینجا است که برخورد ما با جامعه جهانی شروع می‌شود که این درگیری همه جانبه است و البته، در متن این درگیری باید به سمت تمدن نوین اسلامی حرکت کرد. در این فضا است که نقش دیپلماسی عمومی بسیار حائز اهمیت بوده که از طریق روش استحاله با تمدن مدرن غرب مواجه شده و تلاش ما در این راستا به سمت منحل کردن تمدن مدرن غرب در تمدن نوین اسلامی صورت می‌گیرد.

جایگاه دیپلماسی عمومی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی

همان طور که مقام معظم رهبری بیان نمودند، در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی پنج گام مهم باید برداشته شود: انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و حکومت یا تمدن اسلامی. در این راستا دیپلماسی عمومی در چهار بعد مورد توجه قرار می‌گیرد: اهداف، مخاطبان، ابزارها و تألیف قلوب:

الف- صدور انقلاب مهمترین هدف دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی: تمدن نوین اسلامی محقق نمی‌شود جز با صدور آرمان ها و ارزش های انقلاب برای مردم کشورهای مسلمان که زیر بار سلطه بیگانگان قرار دارند. شکل گیری یک تمدن بزرگ اسلامی جز با از بین رفتن سیطره استعمارگران و استثمارگران غربی بر بلاد اسلامی ناممکن است. پس شناخت کامل مردم از بنیان های شکل گیری انقلاب اسلامی منجر به این امر می‌گردد که مسلمانان بلاد اسلامی خود را از ارکان مهم یک تمدن نوین اسلامی دانسته و در جهت شکل گیری آن دست به مبارزه علیه جبهه استکبار زده و با وحدت با دیگر امت های مسلمان سازمان دهی یک تمدن نوین اسلامی را تسهیل بخشند.

سابقه بکارگیری دیپلماسی عمومی در کشور ایران مربوط به سال های اول انقلاب می باشد. که بر اساس آن، جمهوری اسلامی ایران متناسب با منافع داخلی و خارجی خود در ارتباط با دیگر کشورها، از این ابزار سیاست خارجی بهره برده است. دیپلماسی عمومی با اصل صدور انقلاب ارتباط تنگاتنگی داشته و حتی از دیپلماسی عمومی تعبیر به صدور انقلاب هم شده است. مقام معظم رهبری صدور مبانی فرهنگی انقلاب اسلامی ایران گه متکی بر ارزش های انسانی است را جزء افتخارات نظام دانسته و آن را راه پیامبران تلقی نموده و این سوال را همیشه مطرح می کند که ما چرا از صدور ارزشهای انقلاب باید بترسیم و خجالت بکشیم؟ چرا نباید به ملتهای دیگر کشورها این باور که در مقابل ظلم و جور باید ایستاد را القا نمائیم؟. چرا تجربه خود را در اختیار دیگران نگذاریم؟ اگر ما در صدور ارزشها و آرمان های انقلاب که همان مبارزه با استکبار است کوتاهی کنیم به تکلیف خود عمل نکرده ایم (خامنه ای، ۱۳۶۸: ۱۹ تیر)

ب- مخاطبان دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی: شناخت دقیق مخاطبان در برنامه ریزی برای تشکیل و تحقق تمدن نوین اسلامی از جایگاه خاصی برخوردار است. برای فهم عقاید و اصول دیگر کشورها باید به شناخت صحیحی از شرایط مخاطبان برسیم. (یزدان فام، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۴) و از سویی، شناخت مخاطبانی که ما را در رسیدن به اهداف مان مؤثر هست از اهمیت بالایی برخوردار است. (یزدان فام، ۱۳۹۳: ۵۸)

اگرچه از نظر اندیشمندان، تأثیرگذاری بر اندیشه و تفکر روشنفکران دیگر کشورها برای ترویج اهداف کشور مبدأ از اهمیت بالایی برخوردار است، اما در بحث تمدن نوین اسلامی چون صحبت از اسلام است مخاطبان از اولویت دیگری برخوردارند. ماهیت اسلامی انقلاب ایران منجر شده تا رهبری نگاه ویژه ای به ملت مسلمان داشته باشند. معظم له می فرمایند: «پیروزی انقلاب اسلامی نه فقط پیروزی بر ظلم و استکبار بود بلکه چراغ روشنی در پیش روی دیگر ملتهای مسلمان قرار داده تا مسیر انقلاب ایران را طی نموده تا استقلال دست یابند.» (خامنه ای، ۱۳۸۹: ۳) آن بان از طرفی ایشان علاوه بر مسلمانان جهان به شکل عام، به جوانان کشورهای به طور خاص مورد خطاب قرار داده و آنها را موتور محرک و پیش برنده حکومت های اسلامی دانسته و به آینده انقلاب که به دست آنها به افق های روشنی دست پیدا می کند، امیدوار است.» (خامنه ای، ۱۳۹۰: ۱۰ بهمن)

از سوی دیگر، رهبری به جوانان مسلمان اکتفا ننموده و در نامه ای جوانان حقیقت جوی اروپا و آمریکای لاتین را مورد خطاب خود قرار داده و آن‌ها را در شناخت اسلام ناب محمدی و فرهنگ رهایی از زیر بار سلطه حکومت های فاسد خود ترغیب نموده و در این زمینه فرموده اند: «مخاطب من شما جوان ها هستید؛ آینده کشور در دستان شماست و این احساس حقیقت طلبی در وجود شما بسیار با ارزش است.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ۱ بهمن) خامنه‌ای در واقع رهبر انقلاب تأکید می‌کند که مسلمانان و به ویژه جوانان آن‌ها مهمترین مخاطب در امر دیپلماسی عمومی می‌باشند چرا که آگاهی آنها از ماهیت اصلی یک تمدن نوین اسلامی، کمک شایانی در آگاهی عموم مردم و آماده سازی افکار آنها در این امر مهم می‌کند.

ج- رسانه، هنر و سینما ابزار دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی: در تحقق تمدن نوین اسلامی از طریق دیپلماسی عمومی می‌بایست به یک شبکه گسترده اجتماعی برسیم. تحولات اخیر در عرصه های مختلف فناوری اطلاعات منجر به شکل گیری نوع جدیدی از دیپلماسی با عنوان دیجیتال دیپلماسی شده است که با توجه به نقش مهم رسانه ها می‌توان آن را دیپلماسی رسانه ای عام نامید. (دهقانی فیروز آبادی و فیروزی، ۱۳۹۱: ۸۰) با پیشرفت در عرصه ارتباطات و اطلاعات در واقع در دوران گذر از ارتباطات عصر مدرن به پسامدرن قرار داریم. در سالهای اخیر اهمیت توجه به شناخت و درک از خود تبدیل شده به شناخت و درک دیگران نسبت خویش.

مردم که به دنبال کسب اطلاعات هستند مخاطبان عمده این رویکرد هستند. این راهبرد، به دنبال بیان اثر گذاری رسانه ها بر روابط سیاسی دولتهاست. (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۱۵) کسب وجه و افزایش اعتبار سیاسی در سطح جهانی از اهداف اصلی رسانه ها می‌باشد. رسانه ها می‌توانند نقش مهمی در ایجاد یک تصویر مثبت از یک تمدن نوین اسلامی ایجاد کنند. در این راستا، رهبر انقلاب، رسانه ها شامل شبکه های مجازی، اینترنت، رادیو و تلویزیون، روزنامه و مجلات و... را به عنوان ارکان قدرت نرم دانسته که حتی برد و توانایی آنها از موشک هم بیشتر می‌دانند. (خامنه‌ای، ۱۳۸۳: ۲۸ اردیبهشت) و نیز «تبلیغات را در عرصه های داخلی و خارجی جزء قدرتمند ترین ابزارها برای مقابله با دشمنان بر می‌شمرند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲ مهر)

هنر به عنوان زبان بین‌المللی، بهترین راه برای اعمال دیپلماسی عمومی و تبیین مفاهیم اسلامی

است؛ چرا که نسبت به ابزارهای دیگر از تأثیر گذاری بیشتری برخوردار است. استفاده از ظرفیت‌های هنری برای ارتباط با دیگر ملت‌ها و تأثیرگذاری بر افکار و عقاید دیگران در طول تاریخ همواره مورد استفاده مبلغان مکاتب و فرهنگ‌ها قرار گرفته است. هنر اسلامی با توجه به شناخته شدن به عنوان زبان بین‌المللی و برخورداری از ظرفیت تأثیرگذاری بر افکار، آراء، اندیشه‌ها و عقاید دیگر ملت‌ها، موجبات ارتقای ارتباطات میان فرهنگی و اجرای موفق دیپلماسی فرهنگی و تبیین مفاهیم اسلامی را فراهم می‌آورد. هنر اسلامی با توجه به برخورداری از ویژگی‌هایی چون جذابیت، تفکر برانگیزی، ماندگاری و قابل فهم بودن برای همگان و اثرگذاری بر درک و ذهنیت سایر ملت‌ها می‌تواند در دو عرصه مفهوم سازی و تصویر سازی موجب کارآمدی دیپلماسی فرهنگی و عمومی گردد.

دیپلماسی هنری و تأثیرگذاری از راه فعالیت‌های هنری، قوی‌ترین شکل دیپلماسی عمومی و فرهنگی به شمار می‌رود. دیپلماسی هنری به معنای یافتن چگونگی استفاده از هنر، به ویژه موسیقی، هنرهای زیبا و ادبیات، ورزش، غذا، علوم، دین و سیاست، از طرف دولت‌ها، تجارت‌ها و دانشگاه‌ها به صورت عملی و مؤثر برای برقراری ارتباط و بیان عقاید است. با توجه به این که هنر، فی نفسه دارای امتیازات و ویژگی‌هایی از جمله جذابیت، تفکر برانگیز بودن، ماندگاری، قابل فهم بودن زبان هنر برای همگان است لذا استفاده از دیپلماسی هنری برای برقرار ارتباط میان ملت‌ها و تأثیر گذاری بر آن‌ها، از جمله مهم‌ترین ابزارها محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری در بیان اهمیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و ضرورت توجه و اهتمام جدی به این امر می‌فرماید: «سفیران فرهنگی جمهوری اسلامی ایران خط مقدم جبهه فرهنگی در عرصه بین‌المللی هستند. ارائه تصویر درست و واقعی از نظام جمهوری اسلامی و واقعیت‌ها و پیشرفت‌های ایران امروز، در کنار ترویج زبان و ادبیات فارسی از جمله وظایف سنگین سفیران فرهنگی نظام اسلامی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۱ اسفند)

بنابراین هنر، قدرت نفوذ زیادی در بین ملت‌ها خواهد داشت و بر این اساس، مقام معظم رهبری در موضوع جنگ نرم و هنر می‌فرماید: «هنر می‌تواند باعث غنی در محتوای قدرت نرم شده و برد تأثیر گذاری بر ذهن و فکر مخاطب را بیشتر می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۴ شهریور)

یکی دیگر از ابزارهای دیپلماسی عمومی در معرفی تمدن نوین اسلامی سینما می‌باشد که رهبری

در این مورد می‌فرماید: «هنر سینما... بلاشک يك هنر برتر است؛ يك روايت گر كاملاً مسلط - كه هيچ روايت گری تا كنون در بين اين شيوه‌های هنري روايت يك واقعيت و يك حقيقت، تا امروز به اين كارآمدی نيامده - و يك هنر پيچيده و پيشرفته و متعالی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵: ۲۳ خرداد) یا در جای دیگر می‌فرماید: «حقایق معنوی با هیچ يك از مفاهيم مادی قابل مقایسه نیست. ارزش‌های اسلامی برترین حقایقی است كه می‌تواند انسان را مجذوب و در مقابل خود خاضع كند و بر این اساس از سینماگران و كارگردانان فیلم، انتظار می‌رود با كار خود، مفاهيم مذهبی و ارزش‌های دینی را به‌گونه‌ای به تصویر بکشند كه در نظر بیننده، جذاب‌تر و دلنشین‌تر جلوه كند.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳: ۳ بهمن) همچنین معظم له در مورد سینما و هنر می‌فرماید: «امروزه هنر سینما یکی از ابزارهای قدرتمند استکبار در حوزه قدرت نرم است كه از طریق آن بر افكار عمومی تأثیر می‌گذارد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶: ۲۵ اردیبهشت)

د- تألیف قلوب در دیپلماسی عمومی و تمدن نوین اسلامی: «تألیف قلوب» مفهومی است برگرفته از یک فرع فقهی در بحث اصناف مستحق زکات در فقه اسلامی که ریشه قرآنی دارد. تألیف قلوب کار ویژه دلجویی از برخی مشرکان و یا منافقان و حتی گروه‌های خاص از مسلمانان است که به منظور جلب همکاری سیاسی آنان با نظام و امت اسلامی و یا دست کم برای جلوگیری از برخی توطئه‌ها و تهدیدات علیه امت و نظام اسلامی و یا جهت دعوتشان به اسلام به کار گرفته می‌شود. یکی از راهبردهای اساسی اقتدار سیاسی در اسلام، ایجاد پیوند معنوی مراد و مریدی و الفت بین شه‌ریاران و شه‌روندان است که منجر به تقویت قدرت نرم و افزایش نفوذ در حوزه دیپلماسی عمومی می‌گردد. از این‌رو، نقش اساسی تألیف قلوب در ایجاد و تقویت قدرت نرم نظام اسلامی و توسعه حوزه‌های نفوذ آن در پهنه «سیاست داخلی» و «سیاست خارجی» در هر عصر و زمان، قابل اثبات و اعتماد است که می‌توان به عنوان یک الگوی راهبردی اقدام سیاسی ملایم و قدرت نرم به آن نگریست. در واقع، یکی از مهم‌ترین ابزارهایی که در چارچوب مفهوم قدرت نرم قرار گرفته و براساس آموزه‌های قرآنی و فقهی در اختیار حکومت اسلامی است، اصل تألیف قلوب است که می‌تواند نقش مهمی در تحقق اهداف جمهوری اسلامی ایران که همانا گسترش تفکرات اسلامی و بسط اندیشه انقلاب اسلامی در قالب تمدن نوین اسلامی است، داشته باشد. بهره‌گیری از این قاعده در جهت جذب قلوب و متمایل ساختن انسان‌ها به اسلام از وظایف حکومت اسلامی است.

نتیجه گیری

با توجه به رویکرد تمدنی انقلاب اسلامی با تمدن غرب و با عنایت به مراحل پنج گانه رسیدن به تمدن نوین اسلامی از منظر مقام معظم رهبری، دیپلماسی عمومی ابزاری است که در مسیر این تقابل به دنبال منحل کردن تصویر غیر واقعی مثبت به غرب در تصویر واقعی مثبت تمدن نوین اسلامی بوده و از طریق معرفی انقلاب اسلامی بوسیله ابزارهای رسانه ای برای مخاطبان خاص بویژه مسلمان به دنبال به دست آوردن قلوب و افکار عمومی مردم جهان می باشد. در این راستا شناخت راهبردها، مخاطبین، ابزارهای دیپلماسی عمومی برای دستگاه سیاست خارجه جمهوری اسلامی در جهت تأثیر گذاری بر افکار عمومی ملل مختلف بسیار ضروری می باشد. اگرچه تا امروز در بحث دیپلماسی عمومی فراز و فرودهایی داشته ایم اما با شروع گام دوم انقلاب اسلامی و با پشتوانه ی رهبری مقام معظم رهبری و رهنمودهای ایشان دستگاه سیاست خارجه همواره باید به دنبال شناخت عرصه های گوناگون دیپلماسی عمومی بوده تا توانایی لازم برای مقابله با جنگ نرم دشمنان این انقلاب به ویژه آمریکا و اسرائیل را کسب نماید.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه مهدی الهی قمی، تهران، انتشارات پیراسته.
- احدی، افسانه (۱۳۸۸). "برنامه هسته ای ایران از نگاه دیپلماسی عمومی"، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۱.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۰). درآمدی بر آموزش در اسلام و ایران، ایلام، جوهر حیات.
- بابایی، حبیب‌اله (۱۳۹۰). تمدن و تجدد، قم، پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم (۱۹۸۱). صحیح بخاری، ترکیه، انتشارات معاصر، ج ۱.
- بیکی، مهدی (۱۳۸۹). قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی لبنان)، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۰). "دیپلماسی عمومی نوین و دفاع همه جانبه"، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال نهم، شماره ۳۳.
- پوراحمدی، حسین (۱۳۸۹)، قدرت نرم و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، قم، انتشارات بوستان کتاب.
- حرّانی، شیخ ابو محمد (۱۳۸۷). تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی.
- خامنه‌ای، سید علی (آیت الله = رهبر انقلاب) (سال‌های مختلف) سخنرانی‌های متعدد.
- جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸). تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران، انتشارات نشر معارف.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و اسمعیلی، مرتضی (۱۳۹۱). "جایگاه دیپلماسی عمومی در روابط عمومی ایران و کشورهای فارسی زبان"، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، پائیز، ص ۹۷-۱۱۳.
- خمینی علیه السلام، سید روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۶ و ۱۰.
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال و فیروز، علیرضا (۱۳۹۱). "دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، تابستان، شماره
- درخشه، جلال و غفاری، مصطی (۱۳۹۰). "دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام

فرصت ها، اقدامات، اولویت ها و دستاوردها، مطالعات فرهنگ- ارتباطات، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۱۶.

دیلمی، احمد و آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۴). اخلاق اسلامی، قم، انتشارات معارف.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۴). کارنامه اسلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۳ و ۱۴.

فیض کاشانی، محمدحسن بن الشاه مرتضی (۱۳۶۱). کتاب العلم (ارزش دانش و دانشمند در اسلام)، ترجمه اسدالله ناصح، بی نا.

کلینی رازی، ابوجعفر محمدبن یعقوب بن اسحاق، (بی تا)، اصول کافی، جلد ۱ و ۲، تعلیقات محمد آخوندی، تهران: حیدری.

مجلسی، علامه محمدباقر (بی تا). بحارالانوار، ترجمه علی نقی فیض الاسلام اصفهانی، تهران، انتشارات فقیه، ج ۱.

مدیریت حوزه علمیه قم (۱۳۸۳). درآمدی بر آزاد اندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی، قم، انتشارات مرکز حوزه علمیه قم.

یزدان فام، محمود (۱۳۹۳). دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

Cull, N. J. 2008. Public Diplomacy before Gullion , Routledge Handbook of Public Diplomacy. Nancy Snow and Phillip M. Taylor. London: Taylor & Francis.

Wolf Jr, C., Rosen, B. 2004. Public Diplomacy: How to Think about and Improve It, DTIC Document by RAND Corporation.

Griffiths. Martin and O Callaghan, Terry (2002). International Relations :the Key Concepts ,London and New York: Routledge.

Nye , joseph (2003). Soft Power and American Foreign Policy- Jstor